

مجله علمی پژوهشی «پژوهش‌های برنامه درسی»

انجمن مطالعات برنامه درسی ایران

دوره چهاردهم، شماره اول، پیاپی ۲۷، بهار و تابستان ۱۴۰۳

صفحه‌های ۱۰۸-۸۳

الگوی جاری تربیت سیاسی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی: رویکرد نظریه داده بنیاد^۱

علی رزم آرا^۲، حسین مؤمنی مهمویی^{۳*}، احمد اکبری^۴، مهدی زیرک^۵

چکیده

هدف این پژوهش بررسی وضع موجود برنامه درسی تربیت سیاسی در دانشگاه آزاد اسلامی است. این پژوهش با رویکرد کیفی و با روش داده بنیاد انجام گرفت. حوزه پژوهش شامل تمامی کارگزاران دخیل در برنامه درسی تربیت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی هستند که از راه هدفمند از نوع ملاک محور انتخاب شدند. داده‌ها از راه مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با چهارده نفر از اساتید دروس تربیت سیاسی و اساتید دانشگاه آزاد اسلامی، ده نفر از دانشجویان این دانشگاه و پنج نفر از مدیران گروه‌های آموزشی جمع‌آوری شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده شد. برای تأمین روایی و پایایی از معیارهای لینکن و کوبا استفاده شد. نتایج پژوهش نشان‌دهنده بیست و چهار مفهوم محوری و نه مقوله منتخب است که در قالب مدل پارادیمی شامل گسست آموزشی در برنامه تربیت سیاسی به عنوان مقوله محوری و شرایط علی (ضعف مهارتی، ضعف نگرشی، چالش‌های محیطی)، عوامل زمینه‌ای (عوامل مدیریتی دانشگاه و عوامل محیطی - زمینه‌ای)، شرایط مداخله‌ای تسهیل گر (آموزش و توسعه حرفه‌ای اساتید، دسترسی پذیری، حمایت و بسترسازی دانشگاه)، شرایط مداخله‌گر محدودکننده (چالش‌های سازمانی، محیطی، دخالت‌های سیاسی و موانع فردی و اجرایی)، راهبردها (تجدید رویکرد برنامه‌ریزی درسی، طراحی برنامه استراتژیک در زمینه کاربرد فاوا، استفاده از سیاست‌های تشویقی و واسپاری مسئولیتی) و پیامد (عدم تحقق اهداف برنامه درسی قصد شده و کسب نامناسب برنامه درسی تربیت سیاسی) سازمان یافت.

واژه‌های کلیدی: تربیت سیاسی، برنامه‌درسی، دانشجویان، دانشگاه آزاد اسلامی

^۱ مقاله مستخرج از رساله دکتری آقای علی رزم آرا، رشته برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت حیدریه است.

^۲ دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

^۳ دانشیار برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

^۴ استادیار گروه علوم تربیتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

^۵ استادیار گروه علوم تربیتی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

* نویسنده مسئول مقاله: Momenimahmouei@yahoo.com

مقدمه

انسان به‌عنوان موجودی چندبعدی، دارای نیازها و خواسته‌های متکثر و گوناگون علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی است. در این راستا انتظار می‌رود نظام آموزشی نیز به این نیازها توجه داشته و بتواند به شکل همسنگ و متوازن، این ابعاد را رشد دهد (Yusufzadeh Chausari & Shah Moradi, 2020). نظام آموزشی هر کشور، آینه تمام‌نمای فرهنگ، ارزش‌ها و میراث تربیتی آن کشور تلقی می‌شود و شاخص عمده و برجسته یک نظام تعلیم و تربیت، میزان دستیابی به آرمان‌های بلند و اهداف متعالی فرهنگ خود است؛ بنابراین هدف عالی و غایی نظام آموزشی یک کشور قبل از هر چیز، متمرکز بر تربیت انسان‌هایی است که در شکل‌دهی و تحقق بخشی این اهداف، مشارکتی فعال و خلاق داشته باشند (Shareifi, 2015). پژوهشگران بسیاری این استدلال را می‌کنند که یک دموکراسی سالم در کشور نیازمند یک شهروند تحصیل‌کرده و فعال سیاسی است و آموزش پیش‌گام اساسی مشارکت سیاسی است (Willecka & Mendelberg, 2023).

آموزش عالی به‌عنوان بالاترین سطح آموزشی جامعه از اهمیت قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار است؛ زیرا نقشی اساسی در رشد و توسعه جامعه در ابعاد گوناگون فناوری، علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کند (Abtahi & Tarabian, 2010) و حاصل تمامی فعالیت‌ها و تلاش‌های نظام آموزشی در آن منعکس می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر، بازده کل نظام آموزشی در آن متجلی شده است و به تعبیری نمود می‌یابد. درنهایت، این دوره آموزشی در ارتقاء کیفیت بخش‌های گوناگون جامعه اهمیت بسزایی دارد (Abtahi & Tarabian, 2010). در این راستا، توجه به نیازهای اجتماعی و سیاسی دانشجویان از مهم‌ترین گام‌های آموزش عالی جهت رسیدن به اهداف تربیتی آن است (Cai, 2021). چراکه دانشجویان، بخشی مهم از شهروندان درزمینه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به شمار می‌آیند و نظام آموزشی، نقش اساسی در تحولات اجتماعی - سیاسی دارد (Willecka & Mendelberg, 2023) و می‌تواند متضمن بقا یا اضمحلال نظام سیاسی - اجتماعی باشد (Smiths & osthuizen, 2011)؛ بنابراین، باید به جنبه‌هایی از تربیت که ناظر بر فعالیت سیاسی - اجتماعی است توجه ویژه داشت.

درباره تربیت سیاسی تعاریفی گوناگون ذکر شده است. معمولاً هر تعریف برآمده از یک جهان‌بینی خاص است (Hamidzadeh, Maliki & Beheshti, 2016) تربیت سیاسی از دو واژه تربیت و سیاست تشکیل شده است که با توجه به ارائه تعاریف متفاوت از این دو واژه، طبعاً تعاریف متفاوتی از تربیت سیاسی نیز ارائه می‌شود (Salhshor, Yadollahi and Khonkhdar, 2018)، اما به‌طور کلی و عمومی، تربیت از دیدگاه اصول حاکم بر آموزش، فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای شکوفا کردن و به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه انسان و حرکت تکاملی او

به سوی هدف مطلوب، منطبق بر اصولی معین و برنامه‌های منظم و سنجیده تعریف می‌شود (Mohbi & Khoigani, 2013)؛ و سیاست نیز در تعریف دکتر عالم، رهبری صلح‌آمیز یا غیر صلح‌آمیز روابط میان افراد، گروهها و احزاب (نیروهای اجتماعی) و کارهای حکومتی در داخل کشور و خارج کشور با دولت‌های دیگر در عرصه جهانی است (Alem, 2022)؛ بنابراین تعریفی که منتج از این دو مفهوم باشد در سطح کلان مشتمل بر، فراهم‌سازی زمینه برای پرورش فضائل و مهارت‌های موردنیاز در جهت مشارکت سیاسی مؤثر است (Willecka & Mendelberg, 2023)؛ که هدف از آن تغییر نگرش‌های سیاسی فراگیران و افزایش مهارت‌های مشارکتی و قابلیت‌های اجتماعی و ارزش‌گذاری آن‌ها نسبت به حقوق سایر شهروندان است (Zheng, 2022). در جمع‌بندی تعاریف می‌توان این‌گونه بیان کرد که تربیت سیاسی، زمینه‌سازی و فرصت‌آفرینی به منظور کسب دانش سیاسی، پرورش بینش، قدرت تحلیل سیاسی، ارتقای انگیزش، تقویت توان مشارکت و هم‌گرایی افراد جامعه در امور اجتماعی سیاسی است که در یک‌روند تدریجی، مستمر و نظام‌مند باید به پیش رود (Houshman Motahar, 2021).

عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی با توجه به گستردگی موضوع تربیت می‌تواند طیف وسیعی داشته باشد؛ اما آنچه پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه تربیت سیاسی به‌عنوان عوامل عنوان کرده‌اند مواردی همچون فهم مسائل سیاسی (Richard & Janson, 2007)؛ تفکر و تغییر اجتماعی (Kerick, 2018)؛ نقش‌آفرینی اجتماعی، درک و فهم رویدادهای سیاسی (Sepnowich, 2018)؛ شناخت مجاری قدرت جامعه (Moodley & Adam, 2013)؛ مهارت تفکری، شهروندی مسئول و تصمیم‌گیری اجتماعی، شناخت گفتمان سیاسی اجتماعی (Lietz, Keeves, Darmawan, 2021)؛ شناخت ارزش‌های اجتماعی و مشارکت مؤثر اجتماعی (Davis, 2022) را شامل می‌شود.

یکی از نکات مهم در مقوله تربیت سیاسی، ارتباط تنگاتنگ نوع تربیت سیاسی با ایدئولوژی و بنیان‌های نظری خاص است. هر مکتب سیاسی، بر اساس اصول و مبانی نظری خود، هدف‌های ویژه‌ای را دنبال می‌کند. به همین منظور، به لحاظ جنبه نظری و تدوین الگوی تربیت سیاسی، باید ساختاری منطقی برای این امر فراهم شود تا فرایند تربیت سیاسی نظام آموزشی، بر مبانی، اصول و روش‌هایی متکی شود که با اهداف تربیت سیاسی سازگار باشد (Hamidzadeh, Maliki & Beheshti, 2016) برای مثال، در غرب، با ظهور دوره رنسانس و ظهور افرادی همچون ماکیاوولی، در مفهوم تربیت سیاسی، تغییرات و دگرگونی‌هایی رخ داد که باعث شد مبانی و مؤلفه‌های سیاست از اخلاق به سمت قدرت چرخش پیدا کند و این چرخش، سبب شد که قدرت سیاسی جایگزین، تربیت سیاسی شود و امروزه تربیت سیاسی در جوامع غربی فقط در محدوده جامعه‌شناسی و به بیان دیگر، در جامعه‌پذیر کردن افراد نقش دارد و برای تربیت سیاسی، ویژگی‌هایی مطرح است که بیش‌تر ناظر بر پذیرش بجای تغییر و نوآوری در نظام سیاسی است و

این پایه و اساس تربیت سیاسی غرب را تشکیل داد (Salehshor et al, 2012)، اما در دیدگاه اسلام، این سیاست است که در خدمت اخلاق و تربیت است و مبانی نظری سیاست با مسائل اخلاقی به شکل تنگاتنگی در ارتباط است؛ بنابراین، با توجه به دیدگاه امام خمینی (ره) که برگرفته از اسلام است، تربیت موضوع سیاست است و ایشان تربیت سیاسی را روی آوردن آزادانه و آگاهانه به سمت ارزش‌های الهی می‌داند و بر این اساس، عمده‌ترین مبانی تربیت سیاسی از دیدگاه ایشان و در جامعه کنونی ما توحیدی، اخلاق‌مداری، تزکیه و فطرت محوری و مؤلفه‌های تربیت سیاسی از منظر ایشان آگاهی، آزادی، خودشناسی، استقلال و عدالت است (Torak & Metabli, 2017) به بیان دیگر، تربیت سیاسی در اسلام، به معنای تربیت انسان‌هایی است که در تمامی رفتارها و اقدامات اجتماعی و سیاسی آن‌ها، توحید و صفات الهی نمایان است (Davoudi and Fazli Dehkordi, 2015).

برنامه درسی، قلب آموزش و موتور محرکه نظام آموزشی است (Fathi Vajargah, 2019). در این راستا گفتمان سیاسی در برنامه درسی با تحلیل و واکاوی مفاهیم گوناگون مقاومت، عدالت اجتماعی، ساختار و ماهیت قدرت، ساختار و ماهیت ستم، فرهنگ سکوت، نقد، سواد اجتماعی، رهایی‌بخشی، قشربندی، لایه‌های پنهان برنامه درسی و خنثی نبودن سروکار دارد (Moon, 2012). برخی از مهم‌ترین نظریه‌های سیاسی در برنامه درسی عبارت‌اند از نظریه محافظه‌کاری که با مفاهیمی همچون، سارش، وفاداری، یکسان‌سازی و کنترل شدید، حفظ وضعیت موجود، حفظ سنت‌ها و انضباط اجتماعی عجین شده است (Earnstein & Hawkins, 2018)؛ نظریه بازآفرینی که مشتمل بر مفاهیمی همچون، بازتولید ساختار طبقاتی در جامعه، نابرابری‌های آموزشی، نقد وفاداری نظام آموزشی به جامعه سرمایه‌داری است نظریه مقاومت مشتمل بر مفاهیمی همچون توجه به ظرفیت‌های درون مدرسه‌ای و قیام علیه منافع نظام سلطه در آموزش، آموزش سواد انتقادی است و صاحب‌نظرانی همچون اپل، گرانت و نیل در آن به ایراد نظر پرداخته‌اند (Fathi Vajargah, 2019)؛ نظریه هژمونی که گرامشی از صاحب‌نظران عمده آن است و ایراد می‌دارد هژمونی، ترکیبی از سلطه و مقاومت است که نوعی رضایت خودساخته و خودانگیخته از راه جذب روشنفکران به نظام سرمایه‌داری به وجود می‌آورد (Rai Tehrani, 2008)؛ نظریه فمینیستی که نادینگز بیان داشت و بر حقوق مساوی بین زنان و مردان در امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تأکید داشت و تبعیض‌های جنسیتی در متون، ساختارها و سیاست‌های رسمی و غیررسمی را مردود می‌دانست (Dexting, 2011)، نظریه انتقادی با صاحب‌نظرانی همچون ایلچ و فریره که معتقد بودند برنامه درسی باید به تربیت افرادی خودآگاه و رهایی‌بخش و فکور بینجامد و بر تحول‌آفرینی مدارس، در هم تنیدگی زبان و قدرت تأکید داشتند (Rata, 2014) و نظریه پست‌مدرن که بر فرا روایت‌ها و اجتناب از قطعیت‌گرایی و عینیت‌گرایی می‌پرداخت؛ تشکیل شده

است. نکته‌ی قابل اهمیت این‌که هیچ نظریه‌ای در تأیید شیوه اقتدارگرایانه در برنامه درسی و حوزه اندیشه سیاسی آموزش وجود ندارد و تمام نظریات مطرح‌شده در رد اقتدارگرایی تربیتی قلم‌زده‌اند (Ahmadi et Al, 2018). تربیت سیاسی مهم‌ترین اقدام نظام‌های آموزشی در جهت تحقق آرمان‌های اجتماعی در نظام تعلیم و تربیت می‌باشد و زمینه تربیت شهروندی را فراهم می‌آورد (Papastephanou, 2019).

به طور کلی آموزش و سیاست تحت تأثیر متقابل یکدیگر هم هستند (Davis, 2022)؛ چنانکه گذشت و اینکه تربیت سیاسی و توجه به آن در نظام‌های آموزشی و در میان دانشجویان ظرافت‌های خاص خود را دارد و در صورت کم‌توجهی به آن پیامدهای سنگین فرهنگی، سیاسی، اجتماعی در بر خواهد داشت. باید به برنامه درسی این حوزه در میان دانشجویان توجه ویژه کرد. در زمینه تربیت سیاسی و برنامه درسی آن پژوهش‌های گوناگونی انجام پذیرفته است و در عمده این پژوهش‌ها، نقش نظام آموزشی در تربیت شهروند مطلوب و به‌طور کلی تربیت سیاسی که منتج به مشارکت و فعالیت مؤثر شود بی‌بدیل ذکر شده است (Barzegar & Shahreiri, 2020, Tabatabaei, 2018, Sobhaninejad, Najafi, Norabadi, 2017, Goan, 2019, Dill & Elliot, 2019)؛ برنامه‌درسی تربیت سیاسی به عنوان یکی از اهداف اساسی برنامه‌های درسی زیر مجموعه تربیت شهروندی در نظام آموزش عالی است، این برنامه در تمام رشته‌گرایش‌ها به مورد توجه است. این برنامه در برخی رشته‌ها به عنوان اهداف ضمنی در تلفیق با سایر برنامه‌های درسی دروس عمومی به صورت غیر مستقیم مورد تأکید است و در برخی از رشته‌ها مانند علوم سیاسی به صورت مستقیم در برنامه‌های درسی مد نظر قرار می‌گیرد. اما پژوهش‌ها، نشان‌دهنده این است که اگرچه در اهداف نظام آموزشی اهمیت تربیت سیاسی به شکل صریح و ضمنی بیان گردیده است ولی وضعیت آن در بین نظام آموزش عالی کشور از سطح مطلوب برخوردار نیست (Faqihi, Bahrami, Jafari Harandi & Abdi Zarin, 2021; Abdullahi, Rezaei, Saeedi and Faqih, 2019; Abdullah and Zare, 2017; Eftekhari and Mehjoor, 2016; Naderi and Ebrahimi, 2014; Amini, Sediq Arfai and Gadami, 2009).

دانشگاه آزاد اسلامی بر اساس کلیات آیین‌نامه تأسیس مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی مصوب چهل و یکمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۶ تأسیس شد. اکنون باگذشت بیش از سه دهه فعالیت این دانشگاه، دانشگاه آزاد اسلامی به‌عنوان یکی از دانشگاه‌های پیشرو در تربیت دانشجویان در کشور شناخته می‌شود که دارای واحدهای گوناگون در سراسر کشور است. از سویی دانشگاه آزاد اسلامی اقدام به پذیرش دانشجو در رشته‌ها و مقاطع گوناگون تحصیلی می‌کند. بر اساس سند تحول و تعالی دانشگاه آزاد اسلامی، برنامه پنج‌ساله راهبردی - عملیاتی (۱۴۰۵-۱۴۰۰) و سایر اسناد بالادستی این دانشگاه توجه به تربیت سیاسی دانشجویان و ارزش‌های اجتماعی جامعه از اهداف آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی است.

گسترده‌گی، پویایی و پیچیدگی موضوع تربیت سیاسی باعث می‌شود که مؤلفه‌ها، اصول و بعضاً رویکردهای متفاوتی در نظام‌های تعلیم و تربیت با توجه به سطوح تحصیلی به وجود آید. از سویی دیگر وقتی بحث از تربیت و سیاست در آن مطرح می‌شود پیچیدگی مضاعفی با توجه به ویژگی اجتماعی - سیاسی جوامع گوناگون و سیاست‌های کلان ملی به وجود می‌آید. از آنجاکه شناخت وضعیت موجود در تربیت سیاسی زمینه تحول در این زمینه و شناخت نقاط کور در این زمینه را فراهم می‌آورد، این پژوهش درصدد بررسی وضعیت موجود تربیت سیاسی در دانشگاه آزاد اسلامی با رویکرد پژوهش برخواسته از میدان است.

روش شناسی

در این پژوهش وضع موجود تربیت سیاسی در دانشگاه آزاد اسلامی با روش گراند تئوری بررسی شده و اقدامات جاری دانشگاه آزاد اسلامی در تربیت سیاسی دانشجویان از دیدگاه کارگزاران اصلی دخیل در برنامه (اساتید، دانشجویان و مدیران گروه آموزشی) به شیوه تحلیلی و نظام‌مند استروس و کوربین (Strauss & Corbin, 2008) و روش مقایسه مستمر مورد تحلیل قرار خواهد گرفت و به بررسی الگوی تربیت سیاسی در دانشگاه آزاد اسلامی پرداخته می‌شود. هدف مطالعات داده بنیاد فراتر رفتن از توصیف؛ ایجاد یا کشف یک نظریه است (Creswell, 2017). نظریه داده بنیاد به بیان کلی‌تر، یک قالب ذهنی شناختی را نشان می‌دهد (Wasserman, Clair & Wilson, 2009). در این پژوهش از رویکرد سیستماتیک اشتروس و کوربین برای نظریه داده بنیاد استفاده خواهد شد. در رویکرد سیستماتیک محقق باید روش و فن مشخصی برای تحلیل در پیش بگیرد و کدگذاری مرحله‌مندی را (باز، محوری و انتخابی) به اجرا درآورد و کار نهایی خود را در الگوی پارادایمی یکسانی ارائه کند (Farasatkah, 2019).

حوزه پژوهش شامل اساتید دانشگاه آزاد، دانشجویان و مدیران گروه آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحدهای استان خراسان رضوی بودند. مشارکت‌کنندگان در پژوهش به صورت هدفمند و در دسترس انتخاب و فرآیند جمع‌آوری اطلاعات تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش شامل ۱۴ نفر از اساتید دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۰ نفر از دانشجویان و ۵ نفر از مدیران گروه‌های آموزشی بودند. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق، مصاحبه نیمه ساختاریافته است. داده‌های به‌دست‌آمده از این مصاحبه‌ها با استفاده از کدگذاری در سه سطح باز، محوری و منتخب تجزیه و تحلیل شد و یافته‌های حاصل در قالب مدل پارادایمی اشتروس و کوربین بازنمایی می‌شود. برای تأمین روایی (Validity) از روش گوبا و لینکلن (Guba & Lincoln, 1980) استفاده خواهد شد؛ آنها چهار معیار «قابلیت اعتبار (Credibility)، قابلیت

انتقال (Transferability)، قابلیت اتکا (Dependability) و قابلیت تأیید (Conformability) را به منظور ارزیابی دقت علمی پژوهش کیفی برشمردند. در زمینه قابلیت اعتبار، از روش کنترل اعضاء شرکت کننده استفاده شد. در زمینه قابلیت انتقال، یافته‌ها در اختیار متخصصین قرار داده شد. در زمینه قابلیت اتکا (قابلیت اطمینان)، از روش توافق بین کدگذاران استفاده شده و در زمینه قابلیت تأیید مرور و بازخورد همتایان بکار برده شد. در زمینه پایایی^۱ نیز از معیارهای رویا و پرتی (Rao & Perry, 2003) از جمله سازماندهی فرایندهای ساخت یافته برای ثبت، نوشتن و تفسیر داده‌ها و استفاده از کمیته‌ی راهنما برای ارزیابی و اجرای برنامه‌ی مصاحبه و اجماع کمیته در مورد برنامه‌های اجرا شده، استفاده شد.

یافته‌ها

پژوهشگران برای دستیابی به نظریه برآمده از خصوصیات واقعی الگوی جاری تربیت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی با اطلاع‌رسان‌های کلیدی که تماس نظری و عملی ممتدی با موضوع پژوهش (دانشگاه) داشتند، گفتگو کردند و کوشیدند تا در ساختار درونی ارزش‌ها، نگرش‌ها و تجارب آن‌ها تعمق کنند. در اثنای مصاحبه‌ها مفاهیم ظهور می‌یافتند و از مقایسه مفاهیم مقوله‌ها عیان می‌شدند و ذهن پژوهشگران را به قضایا و گزاره‌های گوناگونی درباره تربیت سیاسی و وضعیت آن در دانشگاه آزاد اسلامی سوق می‌دادند. مصاحبه‌های ضبط‌شده پس از پیاده‌سازی، به صورت سطر به سطر بررسی، مفهوم‌پردازی، مقوله‌بندی و سپس، بر اساس مشابهات، ارتباط مفهومی و ویژگی‌های مشترک کدهای باز، محوری و منتخب (طبقه‌ای از مفاهیم) مشخص شدند. برای این کار روش‌های تحلیل اشتروس و کوربین مورد استفاده قرار گرفت (Strauss & Corbin, 2008) این الگو شامل ۷ محور است که در ادامه گزارش شده است.

۱- شرایط محوری

مقوله محوری مضمون اصلی پژوهش است که اگرچه از درون پژوهش بیرون می‌آید اما یک مفهوم انتزاعی است (Strauss & Corbin, 2008) شرایط محوری شامل یک سلسله کنش‌ها/کنش‌های متقابل در زمینه برنامه‌درسی تربیت سیاسی دانشجویان است. در این پژوهش شرایط محوری گسست در برنامه درسی تربیت سیاسی بوده است.

¹. Reliability

جدول ۱. شرایط محوری الگوی جاری برنامه‌درسی تربیت سیاسی دانشجویان

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کد باز)
		توجه برنامه تربیت سیاسی به حیطه شناختی و آن هم به شکل محدود و غفلت ورزی از اجرای آن در عمل
	طراحی نامتوازن	عدم توجه به تربیت سیاسی در بعد نگرشی در برنامه‌های کلان
	برنامه‌درسی قصد شده	عدم تدوین سند برنامه درسی تربیت سیاسی به‌عنوان رویکردی جامع عدم هماهنگی بین سرفصل‌های ارائه‌شده دروس در اهداف، محتوا و روش در باب تربیت سیاسی
		اهمیت ندادن و اولویت‌بخشی پایین به ابعاد برنامه تربیت سیاسی در اسناد بالادستی استفاده از رویکردهای غیر مشارکتی و یک‌طرفه در روش‌های یاددهی - یادگیری کلاسی تأکید صرف بر حفظیات و عدم استفاده از مهارت‌های عملی و دیدگاه‌های نگرشی در
	اجرای معیوب برنامه درسی	بررسی تربیت سیاسی دانشجویان عدم توجه به برنامه درسی پنهان در بررسی جوانب تربیت سیاسی در دانشگاه عدم اعتنا به مقوله‌های پیشنهادی تربیت سیاسی در اجرا توسط اساتید و مدیران عدم استفاده از مشارکت اجتماعی و اجرای مفاهیمی چون کارگروهی و تعامل در فعالیت‌های دانشجویی محیط دانشگاه آگاه‌سازی ضعیف دانشجو از مطالبات و حقوق متقابل دانشجو و دانشگاه عدم توانایی دانشگاه در برقراری نظام جامع عدالت محور و مبتنی بر شایسته‌سالاری در ارتقا سازمانی بی‌اعتنایی به فراهم‌سازی بستر گفتگویی در محیط دانشگاه
	کسب ناقص برنامه‌درسی تربیت سیاسی	عدم آشنایی دانشجویان با توزیع قدرت در سطح ملی و نظام‌های سیاسی حاکم در سطح بین‌المللی بی‌انگیزگی و خمودگی دانشجویان نسبت به شرکت داوطلبانه در امور دانشگاه انفعال و پذیرش بدون واکاوای دانشجویان نسبت به خواسته‌ها و مواضع بیرونی اهمیت ندادن به نظرسنجی‌های دانشگاه از جمله نظرسنجی اساتید عدم علاقه به شرکت در انتخابات شوراهای صنفی و تشکل‌های دانشجویی دانشگاه بی‌اعتنایی نسبت به خواسته‌های دانشجو و دانشگاه از سوی اساتید

کسب آموزش در برنامه تربیت سیاسی

طراحی نامتوازن برنامه‌درسی قصد شده: وجود برنامه‌های نظام‌مند موجب ثمربخشی فعالیت‌های انجام‌شده می‌شود (Haris & sas, 2011). بر اساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش نظام آموزشی برنامه‌های مدون در جهت تربیت سیاسی دانشجویان ندارد و به شکل نامتوازن و ضمنی ابعاد تربیت سیاسی در برخی اسناد بالادستی موردتوجه قرار گرفته است. در ادامه به برخی از بیانات مشارکت‌کنندگان اشاره می‌شود: "دانشگاه برنامه جامع و مدونی برای تربیت سیاسی دانشجویان ندارد و اگر گاهی اوقات می‌بینیم که دانشجویان فعالیت و یا حزب سیاسی را انتخاب می‌کنند یا از اون حمایت می‌کنند از قبل یا بیرون از دانشگاه جهت داده‌شده والا دانشگاه نه

برنامه‌ای خاص برای تربیت و پرورش دانشجویان در این زمینه داره و نه علاقه‌ای به این کار" (استاد، ۴).

اجرای معیوب برنامه درسی: برنامه درسی بر اساس تعاریف موجود دارای سه نوع قصد شده، اجرا شده و کسب شده می‌باشند (Fathi Vajargah, 2016). مختصراً می‌توان برنامه درسی اجرا شده را پیاده‌سازی برنامه درسی در کلاس درس توسط معلمان و تفسیر آنان بیان کرد (Jamali Far et al, 2016). بر اساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش و مشاهدات و استنباط‌های میدانی پژوهشگران یکی دیگر از عوامل محوری در تربیت سیاسی دانشجویان، اجرای معیوب و ناقص آن است.

کسب ناقص برنامه درسی تربیت سیاسی: برنامه درسی کسب شده، تغییرات یادگیری است که از راه به اجرا درآمدن برنامه درسی در دانسته‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌های فراگیران به وجود می‌آید (Haji Tabar Firouzjani et al., 2016). در زمینه برنامه درسی کسب شده تربیت سیاسی، مشارکت کنندگان به عواملی چون؛ عدم آشنایی دانشجویان با توزیع قدرت در سطح ملی و نظام‌های سیاسی حاکم در سطح بین‌المللی، بی‌انگیزگی و خمودگی دانشجویان نسبت به شرکت داوطلبانه در امور دانشگاه، انفعال و پذیرش بدون واکاوی دانشجویان نسبت به خواسته‌ها و مواضع بیرونی، اهمیت ندادن به نظرسنجی‌های دانشگاه از جمله نظرسنجی اساتید، عدم علاقه به شرکت در انتخابات شوراهای صنفی و تشکل‌های دانشجویی دانشگاه، بی‌اعتنایی نسبت به خواسته‌های دانشجویان و دانشگاه از سوی اساتید اشاره داشتند.

۲- شرایط علی

شرایط علی آن دسته از رویدادها و وقایع هستند که بر پدیده‌ها اثرگذارند (Strauss & Corbin, 2008) در این پژوهش شرایطی و عواملی را که عامل اصلی به وجود آورنده شرایط کنونی تربیت سیاسی است را در این گزاره سازمان دادیم. نتایج در جدول شماره ۲ گزارش شده است.

جدول ۲. عوامل و شرایط علی‌الگوی جاری برنامه‌درسی تربیت سیاسی

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)
عوامل علی	ضعف مهارتی	ضعف توانایی اساتید در برقراری ارتباط با دانشجویان و فضا سازی گفتمانی
		تسلط پایین اساتید در مهارت‌های زبان انگلیسی جهت دستیابی به منابع
		دست‌اول موضوعات سیاسی
		عدم مهارت دانشجویان در دستیابی به منابع و مآخذ خبرهای سیاسی
		عدم مهارت در بیان خواسته‌ها و انتظارات به شکل صحیح
	ضعف سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای دانشجویان در پیگیری موضوعات سیاسی از	
	کانال‌های متفاوت	عدم علاقه به پیگیری اخبار و مسائل سیاسی
	عدم علاقه به جست‌وجوی موضوعات جدید و خمودگی نگرشی در مسائل	
	گونگون از جمله موضوعات مرتبط با سیاست	
	تأثیرپذیری بیش‌ازحد از تصمیمات سیاسی ورزشکاران و هنرمندان (سلبریتی‌ها)	
ضعف نگرشی	اهمیت قائل نشدن به موضوعات سیاسی و موضوعات روز توسط اساتید	بی‌اعتنایی نسبت به تغییرات سیاسی و حاکمیتی
		عدم آشنایی با مطالبه‌گری و مطالبات دانشجویی
		عدم پایبندی به قوانین جامعه و دانشگاه توسط دانشجویان
		احساس در ماندگی آموخته‌شده دانشجویان در محیط دانشگاه
		نگرش نامناسب مدیران کلان و میانی نسبت آگاه‌سازی و بسترسازی نسبت به حقوق و مطالبات متقابل دانشگاه و دانشجو
	وجود فیلترهای زیاد که دسترسی دانشجویان به منابع متفاوت و افراد تأثیرگذار در عرصه سیاست را محدود می‌سازد.	
	فعالیت ضعیف نهادهای دانشجویی (انجمن اسلامی، کانون‌های فرهنگی و هنری، کانون‌های صنفی)	
	چالش‌های محیطی	ضعف تعامل بین دانشجویی به علت همگن‌سازی محیط دانشگاه
		ناکارآمدی و ضعف شبکه‌های رسانه‌ای در برپایی و بررسی چندجانبه موضوعات
		عدم تناسخ بین نظر و عمل مسئولان در دانشگاه
عدم برگزاری مناظرات دانشجویی و فرمالیته سازی مناظرات		
تعامل‌پذیری پایین دانشگاه و احزاب سیاسی		

تحلیل و بررسی بیانات مشارکت‌کنندگان نشان داد که شرایط و عوامل علی‌الگوی جاری برنامه درسی تربیت سیاسی ذیل سه محور اصلی ضعف مهارتی، ضعف نگرشی نسبت به تربیت سیاسی

و اهمیت آن و چالش‌های محیطی موجود در محیط دانشگاه سازمان می‌یابد. در این زمینه به‌عنوان نمونه دانشجوی (۴) بیان داشت: "به‌شخصه اصلاً علاقه‌ای به پیگیری مسائل سیاسی ندارم و معتقدم تأثیری هم در روال سیاست و موضوعات سیاسی نداریم در واقع فکر می‌کنم این بی‌علاقگی من از این باشه که حرف ما به گوش سیاسیون نمی‌رسه". هم‌چنین، استاد (۵) بیان داشت: "متأسفانه دانشجویان در دنیای خودشون سیر می‌کنن و ارتباط گرفتن با اونها سخت شده به همین خاطر نمی‌شه زیاد وارد فضای گفتگویی و سیاسی شد چون دانشجویان بین خودشان و اساتید به‌خصوص اساتید باتجربه تفاوت نسلی قال هستند." یا مدیر (۱) بیان داشت: "به دلیل مباحث مربوط به بومی‌گزینی و هم‌چنین، فشارهای مالی که در صورت تحصیل فرزندان‌شان در سایر شهرها باید خانواده‌ها متحمل شوند اکثریت قریب به‌اتفاق دانشجویان در هر شهری از همان شهر و نهایت همان استان هستند و این همگن شدن محیط دانشگاه، فضای دانشگاه را به سمت یکنواختی فرهنگی سوق داده است و زمینه برقراری ارتباط و گفتگویی بین فرهنگی که از ملزومات تربیت سیاسی است را از آن‌ها گرفته است."

۳- شرایط راهبردی

راهبردها، استراتژی‌هایی هستند که باهدف خاصی برای اداره و کنترل پدیده موردنظر صورت می‌پذیرد (strauss & corbin, 2008) در این پژوهش تحلیل مصاحبه‌ها نشان‌دهنده چهار دسته راهبرد در زمینه اقدامات احساس نیاز شده در زمینه توسعه برنامه‌درسی تربیت سیاسی دانشجویان برآورد شد. نتایج حاصل از تحلیل این بخش از پژوهش در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳. شرایط راهبردی توسعه برنامه‌درسی تربیت سیاسی دانشجویان

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)
اقدامات احساس نیاز شده	تجدید رویکرد	تغییر رویکرد برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی از رویکرد مهندسی به رویکردهای مشارکتی
	برنامه‌ریزی	بروز رسانی منابع یادگیری با توجه به شرایط متغیر کنونی و ارائه مفاهیم مرتبط با تفکر انتقادی در متون دانشگاهی
	درسی	بازنگری سرفصل‌های برنامه‌های درسی دانشگاهی با توجه به رویکردها و تحولات جدید
		استفاده از رویکردهای نوین و روش‌های فعال یاددهی - یادگیری در آموزش
		توجه به وفاق و همدلی جامعه در متون دروس عمومی
		ایجاد رابطه صمیمانه توأم با احترام بین دانشجو و استاد
		بررسی تطبیقی نظام‌های سیاسی در جهان با گنجاندن در محتوای واحدهای درسی مرتبط

آشناسازی دانشجویان با روش استدلال و منطق و سواد حقوقی به‌عنوان رویکرد	
در دروس گوناگون	
طراحی	تهیه نقشه رشد سیاسی دانشجویان جهت تداوم و آشنایی آنان با مفاهیم تربیت سیاسی
برنامه‌دستی	طراحی برنامه راهبردی جهت توسعه و نهادینه‌سازی تربیت سیاسی
استراتژیک	توجه به مفاهیم سواد رسانه‌ای برای تمییز صحه از ناصحه و قضاوت اخلاقی
درزمینه	در میدان سیاست
نهادینه‌سازی	فرهنگ‌سازی در زمینه گفت‌وگو سازی و تعامل
تربیت سیاسی	خلق و تسهیم منابع آموزشی مرتبط با تربیت سیاسی در بین دانشجویان
استفاده از	ایجاد شبکه ارتباطی مبتنی بر اعتماد بین دانشجویان به‌منظور نقد دیدگاهی
سیاست‌های	تشویق به مشارکت اجتماعی با استفاده از ظرفیت‌های دانشگاه
تشویقی	تدوین فرم امتیازبندی مطالبه‌گری بین تشکل‌های دانشجویی و تقدیر از تشکل‌های مطالبه‌گر
	بها دادن و توجه به خواسته‌های دانشجویی
	تشویق اساتید به ایجاد فضای گفت‌وگو مبتنی بر منطق در کلاس درس
	سپردن مسئولیت‌ها در بخش‌های مدنی به دانشجویان
واسپاری	رعایت اصول اخلاقی و عدالت در ارائه مسئولیت‌ها
مسئولیتی	توجه به ارائه فرصت‌های برابر برای همه در واسپاری مسئولیت‌ها
	پاسخگو ساختن دانشجویان و گزارش‌گیری از آن‌ها در برابر اختیار داده‌شده

تحلیل مصاحبه‌ها و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش نشان می‌دهد دانشجویان، اساتید و مدیران دانشگاه، راهبردهای جاری توسعه سیاسی را در چهار محور تجدید رویکرد برنامه‌ریزی درسی، طراحی برنامه استراتژیک در زمینه تربیت سیاسی، استفاده از سیاست‌های تشویقی و واسپاری مسئولیتی بیان داشتند.

تجدید رویکرد برنامه‌ریزی درسی: برنامه‌ریزی درسی تنها یکی از شاخه‌های مطالعات برنامه‌دستی است که به «تدوین، اجرا و ارزشیابی» برنامه درسی می‌پردازد. برنامه‌ریزی درسی شامل سازمان‌دهی یک سلسله فعالیت‌های یاددهی و یادگیری به‌منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده‌ها و ارزشیابی میزان تحقق این تغییرات است (YarMohammadian, 2013). با توجه به دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش یکی از راهبردهای مهم در زمینه توسعه تربیت سیاسی، تجدید رویکرد برنامه‌ریزی درسی در این زمینه است. در این باره به‌عنوان نمونه استاد (۷) بیان داشت: "برنامه‌های درسی ما متأسفانه چه در بخش محتوا و چه در بخش اهداف توجهی به تربیت

سیاسی و اندیشه ورزی، تفکر انتقادی و تفکر فلسفی ندارند. بیش‌تر محتوا و روش‌هایی که ما اساتید استفاده می‌کنیم مبتنی بر حافظه و بر اساس ذهن‌پروری است و کمتر به دنبال ایجاد دوقطبی‌های سازنده برای ایجاد فضای گفتگویی در کلاس یا توانمندسازی دانشجویان برای به دست آوردن اطلاعات و ساختن دانش از راه جست‌وجو در منابع و رسانه‌های آزاد را تشویق کردیم."

طراحی برنامه‌درسی استراتژیک در زمینه تربیت سیاسی: با توجه به دیدگاه مشارکت‌کنندگان در این پژوهش داشتن برنامه کلان در زمینه تربیت سیاسی، تسهیل‌کننده این زمینه است. در این زمینه مشارکت‌کنندگان به مؤلفه‌هایی چون تهیه نقشه رشد سیاسی دانشجویان جهت تداوم و آشنایی آنان با مفاهیم تربیت سیاسی، طراحی برنامه راهبردی جهت توسعه و نهادینه‌سازی تربیت سیاسی، توجه به مفاهیم سواد رسانه‌ای برای قضاوت اخلاقی در میدان سیاست، فرهنگ‌سازی در زمینه گفتمان سازی و تعامل، خلق و تسهیم منابع آموزشی مرتبط با تربیت سیاسی در بین دانشجویان اشاره داشتند.

استفاده از سیاست‌های تشویقی: یکی دیگر از راهبردهایی که بر اساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان مورد تأکید بود استفاده از سیاست‌های تشویقی و فراهم آوری انگیزش و بسترهای اولیه آن بود. در این زمینه شاخص‌هایی چون ایجاد بستری برای ایجاد شبکه ارتباطی مبتنی بر اعتماد بین دانشجویان به منظور نقد دیدگاهی، تشویق به مشارکت اجتماعی با استفاده از ظرفیت‌های دانشگاه، بها دادن و توجه به خواسته‌های دانشجویی، تشویق اساتید به ایجاد فضای گفتمان مبتنی بر منطق در کلاس درس مورد تأکید بود. در این زمینه به‌عنوان نمونه دانشجوی (۳) بیان داشت: "بهبتره دانشگاه برای افرادی که به‌عنوان مثال در راه اندازی جلسات نقد فیلم و نمایش اوان فعال هستند مشوق‌هایی مثل بلیط استخر یا ارائه سانس‌های سالن ورزشی در نظر بگیره تا این افراد هم با دلگرمی بیش‌تری به پویایی این جلسات کمک کنند."

واسپاری مسئولیتی: توجه به مسئولیت‌ها و واسپاری مسئولیتی به‌خصوص مسئولیت‌های نهادی که متوجه خود دانشجویان هست به آن‌ها نیز مورد تأکید مشارکت‌کنندگان در پژوهش بود. در این زمینه به‌عنوان نمونه دانشجوی (۱۲) بیان داشت: "باید مسئولیت بعضی امور به دست من دانشجوی سپرده بشه، به‌عنوان مثال من می‌تونم به نحو احسن تیم فوتسال دانشگاه باشم هم دانشش دارم هم مدرکش و هم کارکردم در این زمینه و از اون طرف دانشگاه هزینه‌ای که قراره برای مربی بیرون از دانشگاه بده رو به من بده حالا نه که من تنها، شاید چندین نفر باشن متقاضی این مسئولیت می‌شه بین اونا رای گیری برگزار بشه و فردی که بیش‌ترین اقبال داشت بیاد و این مسئولیت قبول کنه."

۴- عوامل زمینه‌ای

عوامل زمینه‌ای نشان‌دهنده یکسری خصوصیات ویژه است که به پدیده‌ها دلالت می‌کند و محل حوادث یا وقایع مرتبط با پدیده‌ها در طول یک بُعد است که پدیده در آن نهفته است (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰). نتایج حاصل از تحلیل این بخش از پژوهش در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴. عوامل زمینه‌ای الگوی جاری برنامه درسی تربیت سیاسی

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)
عوامل مدیریتی - دانشگاهی	هوش سیاسی	داشتن شخصیت متقاعدکننده و همراه کننده در فعالیتهای دانشگاه توسط مدیران
	مدیران بالا و	شفاف‌سازی فضای درخواست و روال کارهای اداری توسط برنامه ریزان
	میانی دانشگاه	ارزش‌گذاری به قوانین و مقررات دانشگاهی توسط مدیران و برقراری نظام ارتقاء عادلانه اساتید
		ترجیح منافع جمعی بر منافع فردی توسط مدیران
		توجه به مقام الگویی مدیران برای دانشجویان و الگوبرداری از ایشان
		داشتن روحیه خدمت‌گذاری، صداقت و مسئولیت‌پذیری مدیران
		تأکید بر شایسته‌سالاری و انتخاب اصلح در مناصب درون دانشگاهی
	تشکل‌های	توجه و اهمیت دادن به تشکل‌های دانشجویی
	دانشجویی	توجه به دموکراسی در روال انتخابات تشکلات دانشجویی و ایجاد فرصت‌های
	دانشگاه	برابر
عوامل محیطی - زمینه‌ای		تمرین مشارکت سیاسی از راه میدان دادن به تشکل‌های دانشجویی
		میزان استفاده از مدیریت مشارکتی و مبتنی بر تعامل بین مدیران درون دانشگاه و
	دیدگاه شبکه‌ای	بین دانشگاهی
	مدیریت	میزان تبادل فرهنگی اساتید و امکانات بین دانشگاه‌های درون استان
		ایجاد پل‌های ارتباطی متنوع با دانشجویان و اساتید و کارکنان توسط مدیریت
	خانواده و	نقش نهادهای مذهبی مثل مساجد و هیئت‌های مذهبی بر تصمیم‌گیری سیاسی
	جامعه	دانشجویان
		شرایط فرهنگی و اقتصادی خانواده‌های دانشجویان
		تأثیرگذاری سیاستمداران و زمامداران حکومتی بر رفتار و تصمیمات دانشجویان
		سطح تحصیلات خانواده‌های دانشجویان
	نگرش اجتماعی نسبت به تغییرات سیاسی در محیط خانوادگی	
رسانه‌های	سطح دسترسی به رسانه‌های جمعی رسمی مکتوب و دیداری- شنیداری	
ارتباطی	دسترسی به رسانه‌های اجتماعی موبایلی (تلگرام، واتساپ، اینستاگرام و ...)	
	توجه به رسانه‌های ارتباطی چندگانه و عدم تعصب ورزی به گروه و یا شبکه‌ای	

خاص

تربیت سیاسی دانشجویان و نگرش نسبت به آن نه در خلأ، بلکه در شرایط زمینه‌ای شکل می‌گیرد که بر آن اثرگذار است بنابراین، توضیح چگونگی تربیت ایجاد تربیت سیاسی در محیط دانشگاه به عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن نیازمند است. مقوله شرایط زمینه‌ای همان‌طور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، شامل عوامل مدیریتی دانشگاه و عوامل محیطی - زمینه‌ای است. در بُعد مدیریتی دانشگاه مؤلفه‌هایی چون هوش سیاسی مدیران بالا دستی و سطح میانی دانشگاه، توجه به انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی و دیدگاه شبکه‌ای مدیریت مورد توجه بود. هم‌چنین، در بُعد عوامل محیطی - زمینه‌ای شاخص‌هایی چون خانواده و محیط خانوادگی دانشجوی، جامعه و شرایط اجتماعی و رسانه‌های ارتباطی به عنوان شاخص‌های زمینه‌ای مؤثر بر تربیت سیاسی دانشجویان مورد شناسایی قرار گرفت. در ادامه به نمونه‌ای از بیانات مشارکت‌کنندگان اشاره می‌شود:

استاد (۳) بیان داشت: "دانشگاه باید از ظرفیت سایر افراد، اساتید و حتی مدیران توانمند در سایر دانشگاه‌ها استفاده نماید. نباید محدودیت‌های فیزیکی سبب محدودیت در ظرفیت گردند و با لینک کردن دانشگاه‌ها به هم می‌توان از این ظرفیت‌ها خارج از محیط دانشگاه استفاده برد."

۵- عوامل مداخله‌گر (تسهیل‌کننده)

شرایط میانجی / تسهیل‌کننده‌ها، شامل شرایط ساختاری هستند که موجب تسهیل در زمینه پدیده و راهبردها می‌شوند (strauss & corbin, 2008) نتایج این بخش در جدول شماره ۵ گزارش شده است. در این بخش با توجه به دیدگاه مصاحبه‌شوندگان عواملی که موجب تسهیل برنامه‌درسی تربیت سیاسی دانشجویان می‌شود ارائه شد.

جدول ۵. عوامل تسهیل‌گر الگوی برنامه‌درسی تربیت سیاسی دانشجویان

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)
عوامل تسهیل‌گر	آموزش و توسعه	توجه به برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط با تربیت سیاسی برای اساتید
	حرفه‌ای اساتید	توجه به سواد رسانه‌ای اساتید و آموزش مفاهیم مرتبط با آن
		برگزاری سمینارها و همایش‌های ملی و بین‌المللی جهت تبادل آرا و
		گفتمان سازی بین جامعه دانشگاهی
		توانمندسازی اساتید در جهت استفاده از روش‌های یاددهی - یادگیری فعال و مشارکتی در کلاس درس
		توجه به تفکر انتقادی اساتید در زمینه بررسی مسائل روز
	دسترسی پذیری	دسترسی به ابزارهای ارتباطی مکتوب
		دسترسی به ابزارهای ارتباطی دیداری و شنیداری

دسترسی به منابع اطلاعاتی	
	دسترسی به رسانه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای ارتباطی
حمایت و بسترسازی دانشگاه	آگاه‌سازی در زمینه حقوق دانشجویان و اساتید
	حمایت دانشگاه از دانشجویان و اساتید متعهد به حقوق و ارزش‌های دانشگاهی
	ایجاد بستری شفاف در زمینه پیگیری مطالبات دانشجویی و اساتید
	راه‌اندازی سامانه مطالبه‌گری برای دانشجویان و اساتید
	برگزاری جلسات ماهانه و هفتگی با دانشجویان
	تشویق روحیه همکاری و مشارکت جمعی از راه برگزاری جشنواره‌های فرهنگی - اجتماعی
	واسپاری مسئولیت‌های مدنی محیط دانشگاه به جامعه دانشجویی

تحلیل مصاحبه‌ها و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت‌کنندگان در پژوهش سه محور آموزش و توسعه حرفه‌ای اساتید، دسترسی‌پذیری و حمایت و بسترسازی دانشگاه را تسهیل‌کننده فرآیند تربیت سیاسی در محیط دانشگاه می‌دانستند.

آموزش و توسعه حرفه‌ای اساتید: توسعه حرفه‌ای می‌تواند بر دانش فرد اثر گذارد تا جایی که مدرس، روش آموزش خود را در کلاس درس تغییر دهد (Fazal Ali, 2020). توسعه حرفه‌ای دربرگیرنده تجربه‌های یادگیری رسمی و غیررسمی مدرسان از بدو استخدام تا زمان بازنشستگی بدست می‌آوردند (Ganser, 2000). هدف اساسی توسعه حرفه‌ای، تغییر کنشگری در جامعه شرکت‌کننده است (Shebarangi and Nasirinia, 2020). در این میان با توجه به دیدگاه مدیران و اساتید، توجه به توسعه حرفه‌ای و آموزش اساتید می‌تواند زمینه بروز و ظهور تربیت سیاسی و مسائل مرتبط با آن را در کلاس درس محیا سازد.

دسترسی‌پذیری: دسترسی‌پذیری و استفاده از رسانه‌های گوناگون در کنار قضاوت اخلاقی می‌تواند منبع درستی در دستیابی به درک و بینش سیاسی باشد نقش ارتباطات در توسعه سیاسی را می‌توان در سه مقوله آگاهی دهی، هماهنگ‌سازی و جلب مشارکت موردبررسی قرارداد (Metani, 2016). در این زمینه آدام لیک (Lake, 1995) معتقد است هدف دموکراسی در اصل دسترسی مردم به قدرت سیاسی و کنترلش به دست آنان است و در این عرصه دسترسی بیش‌تر به اطلاعات، دست مایه تحقق دموکراسی اصیل است؛ زیرا این امر، شهروندان معمولی را قادر می‌سازد تا به مشارکت آگاهانه در سیاست بپردازند.

حمایت و بسترسازی دانشگاه: توجه به پشتیبانی‌های علمی و فنی دانشگاه از مقوله‌های مرتبط با تربیت سیاسی زمینه تسهیل کاربرد آن در این محیط را دارد. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش

ضرورت حمایت و پشتیبانی دانشگاه از نهادهای مرتبط و افراد فعال در این زمینه را مورد تأکید قرار دادند. در این زمینه به عنوان نمونه دانشجوی (۳) بیان داشت: "به نظر من دانشگاه با برگزاری فستیوال‌ها و جشنواره‌های گوناگون فرهنگی - هنری هم می‌تونه به معرفی ظرفیت‌های فرهنگی کمک کنه و هم زمینه این فراهم کنه که دانشجویان در قالب گروه باهم به تشریح مساعی و به اشتراک‌گذاری دانش و تجربه و تمرین کارگروهی بپردازن".

۶- عوامل مداخله‌گر (محدودکننده)

در بین تجارب مشارکت‌کنندگان، برخی از عوامل به عنوان محدودکننده تربیت سیاسی بیان شدند. این عوامل مانع از نهادینه شدن مطلوب برنامه‌درسی تربیت سیاسی در محیط دانشگاه می‌شوند. نتایج این بخش از یافته‌ها در جدول ۶ گزارش شده است.

جدول ۶. عوامل محدودکننده برنامه‌درسی تربیت سیاسی دانشجویان

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)
چالش‌های سازمانی و محیطی	چالش‌های	عدم تجهیز و نامناسب بودن فضای اتاق تشکل‌های دانشجویی
	سازمانی و	ضعف عملکرد دانشگاه در جلب نظر دانشجویان برای مسئولیت‌پذیری
	محیطی	عدم توجه مناسب به تأثیر شبکه‌های ارتباطی سالم در محیط دانشگاه
موانع اجرایی	موانع اجرایی	کمبود وقت اساتید در آموزش کلاسی
		نبود امکانات لازم برای سازمان‌دهی نخبگان و استفاده از ظرفیت ایشان
		شلوغی کلاس‌های درس و عدم رعایت استانداردهای جمعیتی
		تعارض منافع مسئولان دانشگاه با گروه‌ها و احزاب گوناگون
موانع فردی	موانع فردی	ضعف انگیزش اساتید
		نبود محرک‌های انگیزشی برای دانشجویان برای قبول مسئولیت‌های مدنی
		ضعف تعهد حرفه‌ای برخی اساتید
		ضعف دانشی و مهارتی برخی اساتید برای مشارکتی ساختن کلاس‌های درس
دخالت‌های سیاسی	دخالت‌های سیاسی	بی‌میلی و احساس سرخوردگی دانشجویان
		متمرکز بودن نظام آموزشی و عدم توجه به شرایط مناطق در تصمیم‌گیری کلان
		میدان ندادن به احزاب رقیب برای حضور و مناظره در محیط دانشگاه و تک‌قطبی ساختن محیط دانشگاه
		پرونده‌سازی برای دانشجویان در صورت تخطی و یا خروج از چارچوب‌ها

نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد که موانع و چالش‌های تربیت سیاسی دانشجویان به چهار مقوله چالش‌های سازمانی و محیطی، موانع و چالش‌های اجرایی، موانع فردی و دخالت‌های

سیاسی در زمینه آموزش تقسیم‌بندی می‌شود. در این زمینه به نمونه‌هایی از بیانات مشارکت‌کنندگان اشاره می‌شود. "پیگیری سیاست در محیط دانشگاه آخر و عاقبت خوبی نداره یا انگ این-وری یا اونوری بودن بهت میزنن یا میبرنن حراست و برات پرونده درست می‌کنن، بهتر اینه که اینجا دنبال سیاست نباشیم چون اونایی که بودن به‌جاهای خوبی نرسیدن و از تحصیلشون هم عقب افتادن" (دانشجو، ۴). "تو کلاسی که ۶۷ نفر دانشجو نشستن و هر کدوم هم مشغول خودشون هستند و اصلاً التفاتی به درس ندارن من چجوری فضای گفتمانی ایجاد کنم هر لحظه امکان داره یه دانشجویی پارازیت بده و جو کلاس از حالت گفتمانی خارج بشه و به سمت مهمه پیش بره. می‌شه فضای کلاس مبتنی بر تعامل و گفت‌وگو و منطق استوار کرد ولی به شرط اینکه پیش‌زمینه هاش وجود داشته باشه مثل تناسب جمعیت کلاسی و علاقه‌مندی دانشجویان" (استاد، ۷).

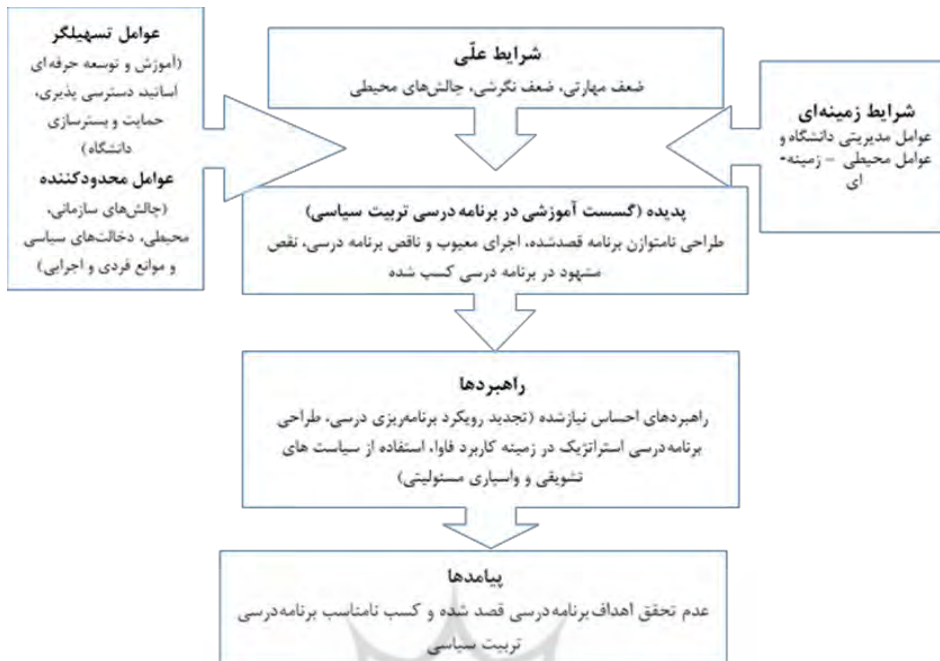
۷- پیامدها

پیامدهای این نوع برنامه برای تربیت سیاسی دانشجویان با توجه به دیدگاه مشارکت‌کنندگان و استنباط مجریان چیزی جز پرورش نامناسب دانشجویان در حوزه تربیت سیاسی در ابعاد سه‌گانه (عاطفی، مهارتی و شناختی) نیست که در نهایت، منجر به ضعف عملکرد در نظام آموزش عالی (دانشگاه آزاد اسلامی) و در نتیجه عدم تحقق اهداف برنامه‌دستی قصد شده و کسب نامناسب برنامه‌دستی تربیت سیاسی آن توسط دانشجویان در نظام آموزش عالی خواهد بود.

مدل پارادایمی برآمده از داده‌ها

با توجه به کدگذاری باز، محوری و انتخابی؛ مدل پارادایمی الگوی جاری تربیت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی در شکل شماره ۱ ارائه شده است.

پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱. الگوی جاری تربیت سیاسی دانشجویان بر اساس طرح نظام‌مند داده بنیاد

بحث و نتیجه‌گیری

تربیت سیاسی به‌عنوان بستر فراهم‌سازی و دسترسی اهداف ساحت اجتماعی و سیاسی همواره مورد توجه سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی بوده است (Samiyani, Haji, Mohammad & Khokheh, 2015) و به‌عنوان زیرمجموعه تربیت اجتماعی، از اهمیت بالایی برخوردار است و شاید بتوان گفت که از میان کارکردها که بر عهده نظام آموزشی یک کشور است، تربیت سیاسی یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن است، زیرا تداوم حیات یک جامعه تا حد زیادی به کارکرد این نوع از تربیت وابستگی دارد (Moinabadi and Soltani, 2015). شناخت الگوی جاری تربیت سیاسی زمینه شناخت بسترهای چالشی موجود در تربیت سیاسی را فراهم می‌آورد. در این پژوهش به شناسایی الگوی جاری تربیت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی پرداختیم تا زمینه شناخت چالش‌های موجود در این زمینه فراهم شود.

با توجه به روش‌شناسی پژوهش که به صورت نظریه‌برخوایسته از داده استفاده شد و یافته‌ها در مدل اشتروس و کورین بازنمایی شد. نتایج نشان داد که شرایط محوری در این پژوهش با توجه به مسئله اصلی پژوهش حول محوریت گسست آموزشی در برنامه‌درسی تربیت سیاسی مورد توجه قرار گرفت، شاخص‌های این محور شامل طراحی نامتوازن برنامه طراحی شده در تربیت سیاسی، اجرای معیوب برنامه درسی و کسب ناقص آن توسط دانشجویان می‌باشد. به عبارتی با

توجه به مصاحبه‌ها برنامه‌ی ابلاغی تربیت سیاسی از طراحی نامتوازی برخوردار بوده و در میدان عمل نیز مجریان به صورت معیوب آن را اجرا می‌کنند برآیند آن نیز کسب ناقص برنامه‌ی درسی تربیت سیاسی توسط دانشجویان بود در این زمینه نیز با توجه به جست‌وجوی محققین پژوهشی در داخل و خارج کشور هم‌راستای این پژوهش انجام نگرفته بود ولی یافته‌های این قسمت از پژوهش با یافته‌های ضمنی پژوهش‌های اسمیت و همکاران (Smit et Al, 2011)، سپنویچ (Sypnowich, 2018) و کی و هانگ (Cai & Huang, 2018) قابل تبیین می‌باشد. این مهم لزوم توجه به بازنگری در برنامه‌ی درسی قصد شده تربیت سیاسی، توجه به اجرای مناسب برنامه‌ی درسی توسط مجریان و در نهایت بهبود انگیزش و نگرش دانشجویان نسبت به برنامه‌ی درسی تربیت سیاسی را می‌رساند.

موجبات علی نیز که مستقیماً به مقوله‌ی کانونی برنامه‌ی درسی تربیت سیاسی دانشجویان می‌انجامد همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود از چند مقوله‌ی اصلی تشکیل می‌شوند که شامل؛ ضعف مهارتی، ضعف نگرشی و چالش‌های محیطی در این زمینه است. یافته‌های این بخش از پژوهش هم‌راستای یافته‌های پژوهش‌های مون (Moon, 2012)، کیویس و همکاران (Keeves et Al, 2021) می‌باشد. در این راستا تغییر رویکرد برنامه‌ریزی از مهندسی برنامه‌ی درسی به رویکردهای تربیتی و مشارکتی، توجه به مهارت‌های آموزشی و نگرشی اساتید، توجه به مکانیزم‌های اشاعه مناسب برنامه‌ی طراحی شده و توجه به برنامه‌ی درسی پنهان در زمینه تربیت سیاسی ضروری می‌باشد.

شرایط محیطی و مدیریتی به عنوان عامل زمینه‌ای تربیت سیاسی دانشجویان شناخته شد. عوامل محیطی به عنوان عوامل همبافتی و بی‌واسطه در فرآیند تربیت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی نقش دارند به بیان دیگر، انسان جزئی از محیط اطراف خود است که در عین تأثیرگذاری بر آن، از آن تأثیر مستقیم می‌گیرد. در این پژوهش مشارکت‌کنندگان دو مؤلفه اصلی عوامل مدیریتی دانشگاه مشتمل بر شاخص‌هایی چون هوش سیاسی مدیران میانی و بالادستی دانشگاه، تشکل‌های دانشجویی دانشگاه و دیدگاه شبکه‌ای مدیریت مورد شناسایی قرار گرفت. همچنین، بُعد محیطی - زمینه‌ای شامل شاخص‌هایی چون خانواده و جامعه و رسانه‌های ارتباطی مورد شناسایی قرار گرفت. به عبارتی تربیت سیاسی دانشجویان در یک زیست بوم که دانشجو با آن در تعامل و کنش می‌باشد شکل می‌گیرد. یافته‌های این بخش از پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های آدام و همکاران (Adam et Al, 2013)، مون (Moon, 2012) و دیل (Dill, 2019) هم‌راستا می‌باشد.

از نظر مشارکت‌کنندگان هر چند برنامه‌ی تربیت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی ناشی از موجبات علی و تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای می‌باشد ولی در این اثنا نقش عاملیت انسانی و کنشگران را نباید نادیده گرفت. راهبردهایی که در مواجهه با برنامه‌ی سیاسی مورد توجه مشارکت‌کنندگان بود را می‌توان در چهار دسته؛ تجدید رویکرد برنامه‌ریزی درسی، طراحی برنامه

استراتژیک در زمینه نهادینه‌سازی تربیت سیاسی، استفاده از سیاست‌های تشویقی و واسپاری مسئولیتی مورد توجه است. این قسمت از یافته‌ها با توجه به یافته‌های پژوهش گوان (Guan, 2019)، ژانگ (Zheng, 2022) و گیو (Qiu, 2017) در زمینه دیدگاه دانشجویان در زمینه تدریس دانشگاه قابل تبیین است. این مهم نقش مجریان در اجرای مطلوب برنامه درسی تربیت سیاسی را می‌رساند که باید با مکانیزم‌هایی زمینه ایجاد انگیزه در مجریان و همراهی آنان در اجرای مطلوب برنامه‌های درسی را فراهم آورد.

با توجه به تحلیل مصاحبه‌ها سه عامل آموزش و توسعه حرفه‌ای اساتید به عنوان عامل اصلی آموزش‌دهنده دانشجویان، دسترسی‌پذیری به منابع اطلاعاتی و پایگاه‌های موجود و حمایت و بسترسازی دانشگاه در زمینه تربیت سیاسی به عنوان تسهیل‌کننده تربیت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد مورد توجه بود. این بخش از یافته‌ها در راستای پژوهش‌های ژانگ (Zheng, 2022) و مون (Moon, 2012) است. همچنین، مؤلفه‌هایی چون چالش‌های سازمانی و محیطی، موانع اجرایی موجود در اجرای برنامه‌های تربیت سیاسی و موانع فردی چون ضعف انگیزش و دخالت‌های سیاسی در برنامه‌های درسی دانشگاه و عدم امکان حضور دادن به احزاب رقیب برای حضور در دانشگاه به عنوان محدود کننده برنامه‌های درسی تربیت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد مورد توجه بود. یافته‌های این بخش از پژوهش در راستای یافته‌های آدام و همکاران (Adam et Al, 2013) و لینگ لینگ (Lingling, 2021) است.

پیامدهای این نوع برنامه برای تربیت سیاسی دانشجویان با توجه به دیدگاه مشارکت‌کنندگان و استنباط مجریان چیزی جز پرورش نامناسب دانشجویان در حوزه تربیت سیاسی در ابعاد سه‌گانه (عاطفی، مهارتی و شناختی) نیست که درنهایت، منجر به ضعف عملکرد در نظام آموزش عالی (دانشگاه آزاد اسلامی) و در نتیجه آن ضعف سیستماتیک جامعه متأثر از شهروندان ناآشنا به مفاهیم و کاربردهای تربیت سیاسی خواهد بود.

به باور نگارندگان برنامه‌درسی تربیت سیاسی مهم‌ترین و شاید شالوده آموزش‌ها در دانشگاه آزاد باشد. این برنامه به همان میزان که می‌تواند زمینه‌ساز تحول در تربیت دانشجویان باشد، به همان میزان نیز در خطر سهل‌انگاری و مسامحه قرار دارد. مسامحه و سهل‌انگاری که تنها با توجه به سطوح گوناگون برنامه درسی و شکاف بین آن‌ها در میدان عمل قابل لمس و مشهود می‌باشد. در این پژوهش سعی کردیم هر چند به مقدار کم با به تصویر کشیدن برنامه درسی تربیت سیاسی در میدان و بافت دانشگاه آزاد از منظر کارگزاران دخیل در آن به شناسایی نقاط کور (نقاط سخت) این برنامه بپردازیم تا گامی کوچک در زمینه بهبود این برنامه برداریم. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود:

- در طراحی و تدوین برنامه‌درسی تربیت سیاسی به مشارکت تمامی گروه‌های ذی‌نفع توجه شود.
- توجه به رویکرد ترکیبی در برنامه‌ریزی درسی تربیت سیاسی به جای رویکرد تفکیکی
- رویکردهای اجرایی برنامه‌درسی تربیت سیاسی اصلاح شده و به رویکردهایی که دانشجویان در میدان عمل تربیت سیاسی را تمرین کنند روی آورده شود.
- به آموزش و بازآموزی مجریان و عوامل اثرگذار برنامه‌درسی تربیت سیاسی (اساتید) توجه شود.
- به برنامه‌های فوق‌العاده در زمینه تربیت سیاسی دانشجویان توجه بیش‌تر شود.

منابع

- Abdollahi, H., Rezaei, M. H. Faqih, A, Seifi, M. (2019). Investigating the current situation of political education in the elementary period of Iran's education system, Iranian Political Sociology Journal, 2 (4), 784-799.[Persian].
- Abdullah, A. M. & Zare, M. (2019). Investigation and analysis of factors affecting the political education of citizens (a case study of Shiraz city), Journal of Political Science, 13 (1), 150-123.[Persian].
- Abtahi, H., & Tarabian, M. (2010). Examining the realization of higher education goals based on the country's 20-year vision document with the method of hierarchical analysis process. Research in Educational Systems, 4(8), 31-60. [Persian].
- Adam, H., Moodley, K. (2013). Xenophobia, Citizenship and Identity in South Africa, African Sun Media, Political Science.
- Ahmadi, Gh. A., Uzada, A., Ahmadi Tabatabai, M., Amini Zarin, A. (2018). Designing the proposed model of the political literacy education curriculum in the first secondary school. Curriculum Studies, 13(49), 5-56.[Persian].
- Alam, A. (2022). Foundations of political science, Tehran: Nashrani.[Persian].
- Amini, M., Sediq Arfai, F., Gadami, M. (2009). Investigating the effectiveness of secondary school political education curriculum from the teachers' and students' point of view: a case study of Kashan city, Daneshvar Behavat bi-monthly, 16 (36), 41-51.[Persian].
- Bazargar, R., & Shahriari, A. (2020). The role of schools in educating active citizens, New Achievements Monthly in Humanities Studies, 3 (24), 92-104.[Persian].
- Davies, I. and at al, (2022). Political Literacy in Japan and England, Citizenship, Social and Economics Education, Volume 12 Number 3 2013, www.wwords.co.uk/CSEE.
- Davoudi, M. & Fazli Dehkordi, M. (2014). Examining the goals of political education in the Quran, with an emphasis on the foundations and principles of education. Educational teachings in Quran and Hadith, 1(2), 19-40.[Persian].

- Dexiang, T. (2011). In career guidance for College Students Ideological and political education content and the feature. *Party building*, 6 (fall), 67-69.
- Dill, J. S., & Elliot, M. (2019). The Private Voice: Homeschooling, Hannah Arendt, and Political Education. *Peabody Journal of Education*, 94(3), 263- 280.
- Faqihi, A. N., Bahrami, S., Jafari Harandi, R., Abdi Zarin, S. (2021). The role of cultural programs of Qom University in the education of students from the point of view of professors and students. *Quarterly Journal of Culture-Communication Studies*, 22(55), 153-176.[Persian].
- Fathi Vajargah, K. (2019). Curriculum towards new identities, Abidjan: Tehran.[Persian].
- Guan, J. (2019). Research on the Way of Integrating Chinese Excellent Traditional Culture into the Ideological and Political Education in Colleges and Universities. In *2018 8th International Conference on Education and Management (ICEM 2018)*. Atlantis Press.
- Hamidzadeh, M. S., Maleki, H., Beheshti, S. (2016). Quranic foundations of epistemology of political education curriculum. *Islamic Policy Research*, 4(9), 49-73.[Persian].
- Kus, Z. (2015). Political literacy status of pre-service social studies teacher. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 177, 197-202.
- Mohebi, A., Karimi Khoigani, R. (2013). Investigating social factors affecting the religious education of students of the University of Police Sciences. *Scientific Quarterly Journal of Islamic Insight and Education*, 10(27), 65-77.[Persian].
- Moon, S (2012). Cultural transition: Curricular discourse with internalization of curriculum, *transnational curriculum inquiry*, 9 (1), 1- 19
- Nouraldini, F., & Ahmadzadeh, E., & Heydari, A. (2015). Political education in higher education centers with an emphasis on the theoretical foundations of Islam, the third national conference on sustainable development in educational sciences and psychology, social and cultural studies in Tehran.[Persian].
- Ornstein, Allan C & Hunkins, Francis P (2018). *Curriculum: Foundations, Principles, and Issues (7th Edition)* (Pearson Educational Leadership), 7th Edition, Pearson.
- Rai Tehrani, H. (2009). Theory of Hegemony: Antony Gramsci, *Social Science Quarterly*, 6(7), 44-57.[Persian].
- Rata, E (2014). The three stages of critical policy: An example of curriculum analysis, *Policy future in education*, 12 (3), 347-358
- Richter, J., & Janson, H. (2007). A validation study of the Norwegian version of the Ages and Stages Questionnaires. *Acta Paediatrica*, 96(5), 748-752.
- Selahshuri, A., Yadollahi Far, M. J., Khonkdar Tarsi, M. (2012). Basics and components of political education from Imam Khomeini's point of view. *Islamic Revolution Journal*, 2(5), 111-126.[Persian].
- Smit, M. H., & Oosthuizen, I. J. (2011). Improving school governance through participative democracy and the law. *South African Journal of Education*, 31(1), 55- 73.
- Sobhaninejad, M., Najafi, H., Noorabadi, S. (2017). The concept of excellence and criticism of its current situation in the fundamental transformation document of Iran's education, *National Studies Quarterly*, 18 (2), 25-42.[Persian].

- Sypnowich, C. (2018). Lessons from dystopia: Critique, hope and political education. *Journal of Philosophy of Education*, 52(4), 660-676.
- Tabatabai, M. (2017). Investigating the components of political education in social studies textbooks of elementary school. *Research in Islamic education issues*, 26 (40), 119-136.[Persian].
- Turkzadeh, R., & Melabi, M. (2017). National interests and political education of students in the Islamic Republic of Iran with an emphasis on the second year of high school, *National Interest Studies Quarterly*, 3(10), 54-68.[Persian].
- Willecka, C., Mendelberg, T. (2023). Annual Review of Political Science Education and Political Participation. *Annual Review of Political Science*, 25(4), 89-110.
- Yusufzadeh Chausari, M. R., Shah Moradi, M. (2020). Presenting the model of the political education curriculum based on the socio-political education area of the fundamental transformation of education for the students of the first secondary school, *Journal of Applied Islamic Education and Tarbiat*, 5 (14), 173-206.[Persian].



The Current Pattern of Political Education in Students of Islamic Azad University: the Approach of Foundation Data Theory

**Ali RazmArā¹, Hossain Momeni mahmouei^{2*}, Ahmad Akbari³,
Mehdi Zeirak⁴**

Introduction: Higher education as the highest educational level of the society is of considerable importance; Because it plays an essential role in the growth and development of society in various technological, scientific, cultural, economic, social and political dimensions. In this regard, paying attention to the social and political needs of students is one of the most important steps of higher education to achieve its educational goals. Because students are an important part of citizens in the field of political and social activities, and the educational system plays an essential role in socio-political developments. Islamic Azad University, as a large university in the country, which is responsible for educating a large number of students in the country, has many programs in the field of political education of students, therefore, in this research, we decided to identify the current state of political education among the students of Islamic Azad University.

Research questions: What is the current status of the political education curriculum in Islamic Azad University?

Methods: The results of the research show twenty-four core concepts and nine selected categories, which in the form of a paradigm model include educational disruption in the political education program as a core category and causal conditions (skill weakness, attitude weakness, environmental challenges), contextual factors (university management factors and environmental-contextual factors), facilitating intervention conditions (professional training and development of professors, accessibility, support and foundation of the university), limiting intervention conditions (organizational, environmental challenges, political interference and individual and executive obstacles), strategies (renew the approach to curriculum planning, designing a strategic

¹ . Phd student of Curriculum Planning, Educational Sciences Department, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran.

² . Associate Professor of Curriculum Planning, Department of Educational Sciences, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran.
(Corresponding Author) Email: Momenimahmouei@yahoo.com

³ . Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

⁴ . Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

plan in the field of FAVA application, use of incentive policies and assigning responsibility) and consequences (failure to achieve the intended curriculum goals and improper acquisition of the political education curriculum) were organized.

Results: The results of the research show twenty-one core concepts and eight selected categories, which in the form of a paradigm model include the neglect of vitality in school curricula as a core category and causal conditions (weakness of school management, Weakness in educational culture of schools, weakness in social relations of students), contextual factors (social-cultural factors, organizational factors and educational factors), facilitating intervention conditions (personal and individual factors, content attractiveness of textbooks, Paying attention to individual differences and qualitative evaluation), restrictive intervening conditions (individual challenges, cultural challenges and school challenges), strategies (students' interactions and communication, making the classroom atmosphere intimate by teachers, paying attention to active teaching methods, dynamism of the atmosphere physical) and the result (increasing depression and academic frustration) was organized.

Conclusion: According to the results, the participation of all interested groups should be considered in the design and development of the political education curriculum. Pay attention to the combined approach in the curriculum planning of political education instead of the separate approach; The implementation approaches of the political education curriculum should be modified and turned to the approaches that students practice in the field of political education. Attention should be paid to the training and retraining of political education curriculum implementers and influential factors (teachers) and more attention should be paid to extraordinary programs in the field of political education for students.

Key words: Political education, curriculum, students, Islamic Azad University

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی